

انترناسیونال

هفتگی

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: فاتح بهرامی

www.haftegi.com

۸۶

۷ دی ۱۳۸۰

۲۸ دسامبر ۲۰۰۱

جمعه ها منتشر میشود

سومین

کنفرانس مدوسا

صفحه ۳

به حزب

کمونیست کارگری

کمک مالی

کنید!

رادیو انترناسیونال

۴۱ متر - ۷۵۲۰ کیلو هرتز

۹ تا ۹:۴۵ شب بوقت تهران

به دیگران اطلاع بدهید

radio7520@yahoo.com

تلفن 0044 7714611099

اطلاعات و پیامگیر رادیو:

0044 208 962 2707

جمهوری اسلامی: "وفاق" یا آشوب!



مصطفی صابر

mosaber@yahoo.com

حکومتی و جنگ جناح ها دارد به جاهای بسیار باریک کشیده میشود.

از آنسو، در همین هفته در سخنرانی خاتمی همه دیدند که حتی با وجود آنهمه

صفحه ۲

شناسانه حجاریان و نه شادی ابله هایی مثل محبیبان برای دوش کشیدن تابوت اصلاحات، پاسخگوی استیصال و فروپاشی رژیم نیست. این یک خر تو خر تاریخی است. اتفاقی نبود که رسالت در یکی از سرمقاله های این هفته اش به تدارکات جناح دیگر برای "اقدام مسلحانه" علیه نظام هشدار داد و برای آنها خط و نشان کشید. اگر هم دوم خردادی ها بخار چنین کاری را نداشته باشند، سرمقاله رسالت می تواند نشانه زمینه چینی افراطیون اینطرف برای "اقدام مسلحانه" باشد. بهر حال بحران

قوه قضاییه خیلی بیش از چهار نفر را از جناح موسوم به دوم خرداد گرفته است، اما چهار نفر آنطرف حتی هنوز معلوم نیست!! این اظهارات نه فقط درماندگی دوم خردادی ها که آشوب درون کل جمهوری اسلامی را به تماشا میگذاشت. بحران حکومتی چنان حاد شده که نه امر و نهی رهبر، نه بندبازی های ملال آور خاتمی، نه بمب اتمی - اسلامی در کردن های رفسنجانی، نه تهدیدات مسخره استعفا جمعی امثال عبدی، نه تئوریهای پلیسی - جامعه

زندانی کردن لقمانیان نماینده همدان، یکبار دیگر "قرارهای بازی" بین جناح های جمهوری اسلامی را بهم زد. محمدرضا خاتمی نایب رئیس مجلس در روضه ای که برای "اولین زندانی مجلس" خواند، مفلوکانه قرارهایی را که دو جناح در عید فطر گذاشته بودند، به قوه قضاییه یادآور شد. "رهبر" آنجا گفت که "وفاق" کنید، "چهار نفر از این طرف و چهار نفر از آن طرف را" بگیرید تا همه حساب کار خودشان را بکنند و "وفاق" حاصل شود. محمدرضا خاتمی گله میکرد

انترناسیونال هفتگی پاسخ میدهد

احزاب سیاسی و راه حل های آنها برای جامعه ایران

صفحه ۴



سیاوش دانشور

نکته مهم در سخنرانی خاتمی اعتراف به واقعیتی مهم و اجتماعی در جامعه ایران است. یک معضل واقعی جمهوری اسلامی جنبش ضد مذهبی و ضد اسلامی در جامعه ایران و بقول خاتمی "دین ستیزان" است. این بحثی است که در چند سال اخیر مورد مجادله در اپوزیسیون ایران بوده است. تقریباً اکثر قریب به اتفاق اپوزیسیون ایران، با روایتیهای مختلف، ایران را جامعه ای "اسلامی" قلمداد کرده و مردم را "سنتی و مسلمان و مذهبی" معرفی کردند. همراه با اینها "شرق شناسان" وزارت خارجه در کشورهای اروپا و آمریکای

صفحه ۳

اعتراف به شکست اسلام در ایران

بالاخره خاتمی بعد از سالها سفسطه آخوندی و حرفهای بی سر و ته در باب "اسلام خوب"، اینبار دو کلمه حرف حساب از دهانش بیرون آمد. خاتمی اعتراف کرد که یک خطر عمده نظام اسلامی "دین ستیزان" هستند. این را رئیس حکومتی میگوید که از بالا تا پائین آن هر روز مطابق با شرع انور و نص قرآن و اسلام محمدی آدم میکشد. سخنرانی اخیر خاتمی بمناسبت ۱۶ آذر فاقد کوچکترین اهمیت سیاسی بود. حتی کسانی که پاره تن نظامند و بخاطر اسلام و نظام حاضرند دست به هر جنایتی بزنند گفتند که خاتمی در این شرایط حرفی برای زدن ندارد. در دانشگاه هم، علیرغم تمام تمهیدات امنیتی و فرمایشی، با خاتمی بدتر از ناطق نوری برخورد شد. اینها را همه میدانند.



علی جوادی

بود که بیکارند، گرسنهاند، کارد به استخوانشان رسیده، مستاصلاند و در عین حال فاقد احزابی کمونیستی کارگری برای هدایت مبارزات اجتماعی بمنظور درهم شکستن بنیادهای سیستم اقتصادی - اجتماعی مسبب مصائب مردم هستند.

ماحصل سیاستهای اقتصادی دولت دست راستی دلاروا در چهار سال گذشته بمنظور افزایش قدرت "رقابت اقتصادی" در بازار جهانی سرمایه و بالابردن "راندمان تولیدی" نیروی کار چیزی جز تولید و افزایش فقر و بیکاری گسترده (از هر ۵ نفر یک نفر)، سقوط سطح دستمزدها

صفحه ۲

شورش گرسنگان در آرژانتین

آنچه که "شورش غذا" در بوینوس آیرس و سایر شهرهای آرژانتین در هفته گذشته نام گرفت، برخلاف تصور و تبلیغات مفسرین بورژوازی، یک واقعه غیر منتظره نبود. آمریکای لاتین سرزمین کودتاهای نظامی، بحرانهای عمیق اقتصادی و مالی، و شورشهای متناوب و گذرا است. حتی سرعت تحولات و شکل گیری بحران سیاسی بر متن یک بحران عمیق اقتصادی با نرخ بیکاری ۱۸ درصد، با تورم فزاینده، با افزایش نرخ مالیاتها، با تنزل دستمزد کارگران و زحمتکشان، با اعتراضات گسترده کارگری و بیکاران، امری قابل پیش بینی بود. حافظه تاریخی آرژانتین گواه این واقعیت است. این شورش عکس العمل طبیعی مردمی

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱

جمهوری اسلامی: "وفاق" یا آشوب!

دوربین، انتظامات و قلچماق هایی که گذاشته بودند، دانشجویانی که از هفت خوان گذشتند، کمترین چیزی که به خاتمی گفتند "استعفا، استعفا"، "به ما درس نده" و "مرگ بر طالبان" بود. (با اینهمه هرکس جلسه شنبه یک دی ماه را مبنای رادیکالیسم اعتراضات دانشجویی و جوانان در ایران بگذارد یا خود فریب است و یا میخواهد این فضای بشدت مختنق و کنترل شده پلیسی - دوم خردادی، اینکه دختران را چارقد و چاقچور کرده و به پشت صحنه رانده بودند، و یا سر دادن سرود ای ایران و شعارهای ملی - مذهبی ها را به عنوان رادیکالیسم به خورد مردم ایران بدهد. خیر، رادیکالیسم جوانان و دانشجویان ایرانی بسیار فراتر، مدرن تر، آرایخواهانه تر و چپ تر از آنچه می خواهد بود که در یک دی ماه توانست تحت آن فضای بشدت پلیسی ابراز وجود کند. در همین هفته گذشته اعتصابات و اعتراضات کارگری در گوشه و کنار کشور در جلوی مجلس، جلوی استانداریها، در حرکاتی نظیر اعتصاب یک هفته ای کارکنان شرکت واحد ارومیه همچنان جریان داشت. قدری تعمق در سخنان کارگران که گاه در گوشه و کنار رسانه ها منتشر میشود، حکایت از یک خشم عمیق و طبقاتی دارد: "با ما مثل اسیران جنگی رفتار کردند". "دست کارگر را بسته اید و هیچ حق و حقوقی ندارد و وقتی می آید جاده می بندد که حقوقش را بگیرد، به او گاز اشک آور میزنید!" کارمندان و اقشار حقوق بگیر نیز دستکمی از کارگران ندارند. حتی در ارتش و سپاه هم معترضین به وضع موجود به مراتب وسیعتر از مدافعان جمهوری اسلامی اند. روشنفکران و هنرمندان سنتی ایران، کسانی که در مکتب

جبهه ملی و حزب توده پرورش یافته اند، جریانات اپوزیسیون جنبش ملی - اسلامی ایران که مدافع موثر دوم خرداد و جمهوری اسلامی بودند اکنون با عیان شدن سترونی "جنبش اصلاحات" آخرین بهانه ها برای دفاع از بقای رژیم را از دست داده و بسیار سردرگم اند. بعضی از اینها به تلاشهای مضحکی برای رهبر تراشی از بین مغضوبین رژیم اسلامی (حتی امثال طبرزدی که دوم خرداد او را وابسته به رفسنجانی و بیت رهبر معرفی میکرد) دست میزنند. برخی هم عافیت طلبانه سر پطرف رژیم سابقها بر میگردانند. در هر حال، نکته اینست که پایگاه اجتماعی جمهوری اسلامی به نازکترین حد خود، به قشر بسیار محدودی از وابستگان و جیره خواران مستقیم دستگاه سقوط کرده که تازه متحد نگاه داشتن اینها (همان "وفاق") معضل روزمره جمهوری اسلامی است.

این اوضاع داخلی جمهوری اسلامی را باید در فاکتور تعیین کننده اوضاع جهانی و منطقه ای ضرب کرد، بویژه در اینکه سکه اسلام سیاسی از رونق افتاده و معادل افغانی خامنه ای ها و معادل سعودی محتشمی ها در لیست "وانتد" های غرب قرار گرفته اند. بعلاوه، خاتمی فقط در داخل نیست که به جوک تبدیل شده است. در بین دول پراگماتیست غرب نیز اظهار یاس از خاتمی هردم وسیعتر میشود. موقعیت تضعیف شده جمهوری اسلامی در سطح بین المللی مردم را در اعتراض به آن تشجیع و مصمم تر کرده است.

جمهوری اسلامی به آخر خط رسیده است. اینرا دیگر تقریباً همه میگویند. اما چه کسی لکه ننگ جمهوری اسلامی را به تمامی از چهره تاریخ پاک خواهد کرد و یک جامعه واقعا برابر و آزاد را به جای آن خواهد نشانند؟ این کار جنبش ماست، جنبش اکثریت عظیم مردم مزدبگیر، تحت ستم و آزادخواه، جنبشی که میخواهد زنجیرهای مذهب، ملیت، مردسالاری، و بردگی مزدی را از دستهای خود و بشر باز کند. جنبش کمونیسم کارگری! ■

از صفحه ۱

شورش گرسنگان در آرژانتین

و توان مالی مردم (۱۴٪ تنزل در یکسال گذشته)، افزایش مالیاتها، محدود شدن و حتی قطع برخی از خدمات اجتماعی و درمانی، نبود. ابعاد فقر چنان گسترش یافته بود که در روزهای قبل از شورش، مردم گرسنه در شهرهای بوینوس آیرس، روساریو، کانکوردیا و مندوزا در ابعادی گسترده در اطراف سوپر مارکتها تجمع کرده و تقاضای دریافت کمکهایی غذایی برای سیر کردن شکم خود کرده و بعضاً به این مراکز حمله میکردند. دولت در پاسخ در ۱۹ دسامبر به سیاست آشنای خود، "مشت آهنین" و اعلام "شرایط اضطراری"، روی آورد. آزادی مطبوعات، حق سفر، حق تجمع، تظاهرات و اعتصاب کارگری جملگی ملغی شدند. دلاروا اعلام کرد: "من نظم را به کشور باز خواهم گرداند." اما تجمعات به سرعت به یورش گسترده به فروشگاههای مواد غذایی و اعتراض گسترده در مقابل کاخ ریاست جمهوری تبدیل شد. مردم به خیابانها ریختند. شورش به سرعت مناطق کارگر نشین شهر را در بر گرفت. مردم معترض خواهان سقوط دولت دلاروا شدند. در هراس از گسترش این شورش دلاروا یک روز پس از اعلام "شرایط اضطراری" مجبور به استعفا شد. در این شورش حداقل ۲۹ نفر کشته و بسیاری زخمی و هزاران نفر بازداشت شدند.

مفسرین بورژوازی در بررسی علل بحران اقتصادی آرژانتین و متعاقباً بحران سیاسی آن بر سیاستهای اقتصادی صندوق بین المللی پول (آی.ام.اف) و راه حلهای آن، سیاست ریاضت اقتصادی و برابری پزو و دلار، انگشت میگذارند، هر چند که متفق القول نیستند. برخی گره زدن ارز آرژانتین به دلار (سیاست دلاریزه کردن) را ریشه موقعیت اقتصادی کنونی و برخی دیگر این سیاست را نجات دهنده

اقتصاد ۳۶ میلیونی آرژانتین از نرخ سه رقمی تورم در اوایل سالهای ۹۰ میدانند. برخی ممانعت آی.ام.اف از صدور وام بیشتر را عامل شکل گیری بحران کنونی دانسته و برخی دیگر تداوم وام دهی (بیش از ۴۰ میلیارد دلار در سال گذشته) به اقتصاد بحرانی آرژانتین را علل کنونی این بحران میدانند. اما تمامی این ارزیابیها تنها بر اشکال بروز بحران و نه ریشه وجودی آن انگشت میگذارند. واقعیت این است که ریشه بحران اقتصادی آرژانتین در خصلت سرمایه داری سیستم موجود نهفته است. بروز بحران های دوره ای در جریان تولید سرمایه داری یک خصیصه ذاتی و گریز ناپذیر نظام سرمایه داری است. ناشی از تناقضات درونی پروسه انباشت سرمایه است. در پایه ای ترین سطح قانون گرایی نزولی نرخ سود مبنای کلیه بحرانهای اقتصادی جامعه سرمایه داری است. وجود بحران حاکی از آن است که سود سرمایه عملاً کاهش پیدا کرده است. رقابت سرمایهها برای سهم ببری از ارزش اضافه تولید شده توسط کارگر عمیقاً تشدید شده است. اما این مفسرین علیرغم اختلاف در تحلیل از علل بحران موجود در تبیین راه حل برون رفت سرمایه از وضعیت موجود متفق القولند.

حمله به معیشت کارگر، تنزل دستمزدها، کاهش خدمات اجتماعی، افزایش راندمان کاری و تولیدی آن مجموعه سیاستی است که اکنون دولت آدولفو رودریگوز ساعا دنبال میکند. نرخ برابری و گره خوردگی پزو و دلار همچنان حفظ شده است. بمنظور تحمیل بار بحران بر

گرده کارگر و زحمتکش و نتیجتاً کاهش در آمد کارگر و زحمتکش از دیگری بنام "آرژانتینو" به جریان افتاده است. دستمزدها به این ارز پرداخت خواهد شد. این ارز شناور خواهد بود. اما ارزش کالاهای مصرفی مردم، بدهی خانه و وامهای مردم بر مبنای دلار و نرخ معادل آن تعیین و باید پرداخت شود. آی.ام.اف موافقت کرده است که دولت آرژانتین برای مدتی از باز پرداخت سود و اقساط ۱۳۲ میلیارد دلار بدهی خارجی این کشور اجتناب کند. وقفه در بازپرداخت بدهیها راه حلی است که میتواند دولت جدید آرژانتین را در مواجهه با بحران کنونی سر پا نگهدارد.

شورش گرسنگان در آرژانتین بیانگر شکست یکی از پروژههای اساسی صندوق بین المللی پول، بانک جهانی و همچنین سیاستهای نتولیبرالیستی در سازماندهی اقتصاد جامعه بر مبنای الگوهای معاصر سرمایه است. آرژانتین تمامی سیاستهای آی.ام.اف را خط به خط به اجرا گذاشت. سهم کارگر و زحمتکش در این سیستم اقتصادی کار طاقت فرسا و تولید سود است. این شورش در عین حال تائیدی است بر این حقیقت که خلاصی از شر فقر و فلاکت و بیکاری و بی حقوقی و بردگی مزدی مستلزم وجود احزاب کمونیستی کارگری است که در رأس اعتراضات اجتماعی قرار گرفته باشند. هدایت و رهبری مبارزات مردم را عهده دار شده باشند. در غیر اینصورت در بر همان پاشنه خواهد چرخید. باز هم کودتاهای نظامی، بحرانهای اقتصادی و شورشهای گذرا. ■

اصغر کریمی 0044-771 4097928

آذر مدرسی دبیر تشکیلات خارج 0049-172 7823746

رحمان حسین زاده-دبیر کمیته کردستان حزب:

0046-739 855 837

اسد گلچینی - دبیر تشکیلات کل کشور

0044 7940 416 768

شهلا دانشفر: دفتر مرکزی حزب 00447950517465

بهرام مدرسی - دبیر کمیته مرکزی سازمان جوانان کمونیست:

0049174 944 0201

از صفحه ۱

اعتراف به شکست اسلام در ایران

شمالی و "روشنفکران" دست راستی در دانشگاهها این تصویر قلابی را جار زدند و برای آن "تنوری" تراشیدند. هدف تمام این به خود پیچیدن و تنوری سرهم کردن این بود که خاتمی و حکومت اسلامی را لایق مردم ایران معرفی کنند و خودشان یا به معامله و بند و بست با این رژیم کثیف مشغول شوند و یا جانی برای مذهب و سازش با آن در آینده سیاسی آن جامعه باز کنند.

در طرف مقابل این طیف، این ما بودیم که بر خصوصیات غیر مذهبی جامعه ایران و وجود تمایلات وسیع ضد مذهبی و سکولاریستی در آن جامعه تاکید کردیم و در مقابل این تبلیغات عوامفریبانه ایستادیم. ما بارها و بکرات تاکید کردیم که ایران جامعه ای اسلامی نیست. بلکه تلاش برای اسلامی کردن آن و همینطور مقاومت مردم در برابر این واپسگرایی، یک جبهه مهم دعوی سیاسی در ایران و داستان زندگی هر روزه مردم است.

ما گفتیم که تظاهراتهای توده ای جوانان در شهرهای ایران تنها یک حرکت اعتراضی علیه رژیم اسلامی نبود. این یک رژه سهمگین علیه اسلام و حکومتش و هر چه که بویی از ارزشهای اسلامی دارد بود. این جنبش ضد مذهبی و ضد اسلامی در جامعه ایران است که زمین را زیر پای ارتجاع اسلامی داغ کرده است. شعارهایشان را بخاطر آورید، بوسیدن همدیگر و رقص دسته جمعی در خیابانها و هلله شادیشان را بیاد آورید، فریاد میزدند "آخوند و اسلام شیشو کارش تمام است". داد نمایندگان خدا را روی زمین در آوردند که "هرچه رشتیم یک شبه در خیابانها پنبه شد". و اینها در مملکتی صورت می گرفت که جرم سکس غیر مجاز سنگسار است و "بدحجابی" با شلاق و اسید و دشنه اسلامی پاسخ میگیرد. این نمایش تنفر و طغیان توده ای در جایی هر روز به صحنه می آید که در آن اسلام حکومت میکند. گفتیم

که تصورش را بکنید اگر یکرز دست این اوپاش و قوانین مذهبی از ایران کوتاه باشد، دنیا شاهد چه صحنه هائی خواهد بود؟ و این موضوع بسیار مهم و یکی از خصوصیات جنجیب سکولاریستی و ضد مذهبی جوانان ایران است که نه فقط حکومتیها که اکثریت قاطع جریانات اپوزیسیون ایران درباره آن آگاهانه سکوت میکنند. این موج برگشت ضد مذهبی، آنهم در یکی از مهمترین مراکز اسلام سیاسی، آینده بسیار روشنی را در ایران و منطقه نوید میدهد. اشتباه است و هزار بار اشتباه است که این طغیان پرشور جوانان در ایران را نارضایتی صرف و یا استفاده از فرصتی برای شادی نامید. این یک وجه کوچک این اعتراضات است. آنچه در ایران امروز شاهد هستیم عروج یک نسل مدرنیست، ضد مذهب، آزاد منش و حق طلب است که پا به میدان تصفیه حساب با یکی از مرتجعترین حکومتیهای تاریخ معاصر و جارو کردن افکار و آرائی شده است که در صد سال گذشته در آن جامعه به نسلهای متمادی مردم ایران حکومت کرده است. این گوشه ای از جنبش عظیم کمونیسم کارگری در جامعه ایران است که میخواهد ارتجاع و استبداد و مذهب و خرافه را برچیند و بر ویرانه های آن دنیائی نو و انسانی بسازد. ما به حقایق آن جامعه در هر شرایطی تاکید کردیم و پای فشردیم. این سخنان و تاکید بر واقعیات غیر مذهبی و ضد مذهبی جامعه ایران که امروز

از زبان خاتمی به آن صریحا اعتراف میشود، برای تعدادی "غلو آمیز و غیر واقعی" به نظر میرسید. نه فقط این، بلکه بخش اعظم اپوزیسیون و "جامعه شناسان سیاسی" در اپوزیسیون ایران همیشه و به بهانه "احترام به باور توده ها" و "دین نیاز معنوی مردم است" و "اسلام حکومتی با اسلام مردم جدات"، تلاش کردند به این واقعیت اجتماعی خاک بپاشند. حتی کسانی که میگویند غیر مذهبی و "سکولار" هستند ناگهان به صرافت ایجاد "فرم" در اسلام و "مدرنیزه"؟! کردن آن بر آمدند. اما مردم دارند بر خلاف تمایل سیاسی این جریانات حرکت میکنند و تعدادشان و عملشان آقدر وسیع است که خاتمی مجبور است به آن اعتراف کند. این یعنی نه فقط رژیم اسلامی و جریانات اسلامی، بلکه خود اسلام در ایران شکست خورده است. این واقعیت جان سخت را ما سالهاست که داریم میگوئیم. آینده سیاسی ایران، هر چه باشد، راست یا چپ، آینده ای غیر مذهبی است. مذهب سیاسی در تحولات آتی جامعه ایران کوچکترین شانس ندارد. مرده است و به گذشته تعلق دارد. اتفاقا یک وجه اصلی جدال و تعیین تکلیف سیاسی آینده آن جامعه تصفیه حساب بنیادی با مذهب است. کسانی و جریاناتی که هنوز این حقیقت را نمی پذیرند دارند خود را به صورت مسئله مردم الصاق میکنند. دارند خودشان را در مقابل موجی قرا میدهند که قرار نیست با هیچ فرمی از اسلام سازش کند.

۲۷ دسامبر ۲۰۰۱

siavash_d@yahoo.com

کارگران شرکت واحد ارومیه دست به اعتصاب زدند

حزب کمونیست کارگری ایران همه کارگران و مردم آزاده را بویژه در ارومیه، به دفاع و همبستگی با کارگران اعتصابی اتوبوسرانی فرا میخواند. اعتصاب شکنی اقدام مذموم و ضد کارگری است که کارفرما از طریق آن میکوشد بخشی از کارگران را مستقیما علیه بخش دیگر بکار گیرد و اعتصاب آنها را بی اثر سازد. در بسیاری کشورها اعتصاب شکنی غیر قانونی است و در هر حال بعنوان اقدامی تفرقه افکنانه با مقاومت و اعتراض شدید کارگران مواجه میشود. اعتصاب شکنی در بین کارگران ننگ و عار است. تحت هیچ شرایطی نباید به آن تن داد.

کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی ارومیه در اعتراض به عدم دریافت دستمزد و اضافه کاری ماه گذشته، از روز پنجشنبه ۲۹ آذر ماه دست به اعتصاب زده اند. گزارش ایرنا حاکی است که این اعتصاب تا ظهر شنبه یکم دی ماه همچنان در جریان بوده است. نه شهرداری و نه شورای شهر ارومیه حاضر به پاسخ گویی به خواستههای کارگران نیستند و موضوع را به استانداری حواله میدهند. در عوض شهرداری ارومیه در اقدامی ضد کارگری رانندگان کامیونهای شهرداری را واداشته است تا اتوبوسهای شرکت اتوبوسرانی را به حرکت در آورند که طبق همین خبر تاکنون دچار چهار مورد تصادف شده اند.

هنگام لایروبی یک چاه دو کارگر جان باختند

اجساد به داخل چاه رفت، بشدت مسموم شد و به بیمارستان انتقال یافت.

اینها نمونه بسیار کوچکی است از صدها و هزاران سانحه دلخراش که روزانه به سبب عدم ایمنی محیط کار برای کارگران روی میدهد و باعث کشته شدن و نقض عضو شمار زیادی از آنها میشود. حزب کمونیست کارگری ایران ضمن تسلیت به خانواده جان باختگان این حادثه، کارگران را به مبارزه و اعتراض به عدم ایمنی محیط کار و تشدید مبارزه علیه جمهوری اسلامی فرا میخواند.

بنا به گزارش کیهان روزنامه جمهوری اسلامی، روز شنبه اول دیماه ۱۳۸۰ دو کارگر بنامهای عبدالظاهر باقرزی ۶۵ ساله و جمعه ۴۰ ساله هنگام لایروبی یک چاه در محیط سبز مخابرات تهران بداخل چاه سقوط کرده و جان خود را از دست دادند. همچنین بنا به خبر دیگری از کیهان چند روز پیش نیز ۵ کارگر مخابرات مسجد سلیمان هنگام تعویض کابلهای مخابراتی در یکی از چاههای خیابان اصلی این شهر بعلت گازگرفتگی جان خود را از دست دادند. یکی از اهالی محل که برای بیرون آوردن

از سایت روزنه دیدن کنید!

در سایت روزنه میتوانید نشریات و اطلاعاتیه های سازمان های سیاسی، مقالات متعددی از شخصیت های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و گزیده ای از مطالب نشریات چاپ ایران را مطالعه کنید. از طریق سایت روزنه میتوانید به سایت کلیه احزاب و سازمان های اپوزیسیون، به رادیوهای فارسی زبان، و به نشریات چاپ ایران دسترسی پیدا کنید و مطالب آنها را مطالعه کنید. مطالب، اطلاعاتیه ها و نظراتتان را برای روزنه بفرستید.

www.rowzane.com

rowzane@yahoo.com

سومین کنفرانس مدوسا

۱۹ و ۲۰ ژانویه ۲۰۰۲ در لس آنجلس، آمریکا

شهره آغداشلو، مینا احدی، مهنا افخمی، الهه امانی، هما سرشار، نهضت فرنودی، اعظم کم گویان، آذر ماجدی، آذر نفیسی، پرتو نوری علاء

علاقتمندان شرکت در کنفرانس میتوانند از طریق زیر با ما تماس بگیرند.

تلفن: ۱۷ ۵۰ ۵۳۳ ۷۷۶ ۴۴+

فکس: ۸۵ ۸۳ ۱۳۵ ۸۷۰ ۴۴+

تلفن-فکس ۸۹۷۱ ۳۱۴ (۹۱۶) آمریکا

ای میل: azarmajedi@yahoo.com

انترناسیونال هفتگی پاسخ میدهد

خوانندگان انترناسیونال هفتگی در نامه های خود درباره مطالب نشریه و مسائل مختلفی اظهار نظر و سوال مطرح میکنند. تلاش میشود به برخی از این نکات که جواب به آنها جنبه عمومی دارد در این ستون پاسخ داده شود.

احزاب سیاسی و راه حل های آنها برای جامعه ایران

فاتح بهرامی

۱- کلیات

یکی از سوالاتی که باشکال متفاوت مطرح شده و خوانندگان انترناسیونال هفتگی خواسته اند که درباره آن بحث بشود مربوط به نقش احزاب سیاسی در فردای سرنگونی جمهوری اسلامی و جایگاه حزب کمونیست کارگری ایران است. گفته شده که بعضی جریانات سیاسی از حاکمیت ملی، پایبندی به دموکراسی و توجه به رای مردم سخن میگویند و حزب کمونیست کارگری هم درباره آزادی و برابری مردم حرف میزند و شعار جمهوری سوسیالیستی را مطرح میکند. و سوال اینست که درباره نوع حکومت آینده چه تفاوتی بین نظرات حزب کمونیست کارگری و جریاناتی که با جمهوری اسلامی مخالف هستند و بر دموکراسی تاکید میکنند وجود دارد؟ من در چند نوشته به جنبه های اساسی مربوط به این سوال پاسخ خواهم داد.

تا آنجا که به نوع حکومت و نقش مردم و خواست یک جامعه انسانی برمیگردد، میشود گفت که اشتراکی بین راه حل حزب کمونیست کارگری با جریانات دیگر وجود ندارد. این موضوع خیلی مهمی است که مردم امکان اینرا پیدا کنند که احزاب سیاسی را بدرستی بشناسند و با شناخت از برنامه و راه حل آنها انتخاباتشان کنند. درباره محتوای برنامه های احزاب سیاسی و ارتباط آنها با منافع و حقوق مردم مسائل متعددی وجود دارد که باید به

آنها پرداخت. در این شماره به یک اختلاف پایه ای حزب کمونیست کارگری با دیگر احزاب سیاسی درباره نوع حکومت اشاره میکنم. اولین تفاوت جدی ما با جریانات دیگر اینست که نقطه عزیمت ما برای انتخاب نوع حکومت و نحوه اداره جامعه از منافع انسانها سرچشمه میگیرد، از حرمت و رفاه و آسایش آنان تا آزادیهای سیاسی و اجتماعی و حقوق مدنی و غیره. جریانات دیگر همانطور که خودشان میگویند مینا و نقطه عزیمتشان "حاکمیت ملی" است، دموکراسی و داشتن یک مجلس است، بهترین هایشان خواهان حکومتی از نوع ترکیبی یا مصر هستند و حتی حکومتیهای مانند کشورهای اروپای غربی را برای ایران زیادی و یا ناممکن میدانند، دلیل هم پنهان هائی مانند مذهب و باورهای مردم و یا عقب ماندگی اقتصادی و امثال آن است. بعضی ها حتی خواهان این هستند که یک شاه وجود داشته باشد، یا اینکه یک حکومت مذهبی اهلی سر کار باشد. همه این احزاب، علیرغم تفاوتی که با هم دارند، درباره سازمان تولیدی جامعه بر اساس سیستم کار مزدی با هم توافق دارند. بلحاظ اقتصادیات جامعه، اختلاف اساسی ما با آنها مربوط به نحوه سازمان دادن تولید جامعه است. در الگوی کلیه این جریانات بورژوائی مینا تولید برای سود است و معلوم است که در این سیستم قرار است

اکثریت عظیم مردم کار کنند و محصول کار آنان و ثروت بدست آمده را اقلیتی در جامعه تصاحب کند. استثمار نیروی کار انسان که اساس این سیستم است، مبنای کلیه کشمکشهای جامعه بین دو اردوی اصلی جامعه یعنی کار و سرمایه است. در مقابل، حزب ما خواهان سازمان دادن تولید جامعه بر اساس نیاز انسانها و رفاه و آسایش همگانی است، سیستمی بدون کار مزدوری. در این سیستم قرار نیست کسی کار کند و دیگری محصول کارش را تصاحب کند، قرار است همه باندازه توانشان کار کنند و کل جامعه از ثروت و محصول بدست آمده بهره مند شود، کسی برده دیگری نیست. این مهمترین و پایه ای ترین تفاوت ما با جریانات دیگر است که منشا اختلافات دیگر نیز هست. اما بلحاظ سیاسی، حکومت قرار است شرایطی را فراهم کند که سازمان اقتصادی جامعه مورد نظر سرپا بماند، بعبارت دیگر روینای سیاسی جامعه باید با سازمان تولیدی آن خوانائی داشته باشد. وقتی مینا این باشد که اکثریت مردم کارگر و زحمتکش کار کنند و ثروت حاصله را کسان دیگری تصاحب کنند، روشن است که باید حکومتی سرکار باشد که تضمین کند اقلیت سرمایه دار جامعه سودش را ببرد و بقیه بی حقوق بمانند، باید بشود ادامه این نظم را ممکن کرد و از اینجاست که احزاب و حکومت های بورژوائی نیاز به سرکوب و نهادهای

مکانیزم واقعی برای تضمین حقوق و آزادیهای مردم در جامعه را چگونگی و از روی چه چیز باید شناخت، زیرا صرف ادعا درباره اینکه یک حزب سیاسی کدام حقوق مردم را برسمیت میشناسد کافی نیست. اما میتوان خصوصیات ضد مردمی بعضی از احزاب را از روی برنامه ها و نظراتشان باز شناخت. مثلاً یکی از رهبران جریان سلطنت طلب درباره حقوق کارگران اشاره میکرد که اگر رفاه و بیمه های بیکاری مکنفی وجود داشته باشد کارگران تنبل میشوند و به تولید لطمه میزند. چنین اظهار نظری نیاز به تفسیر ندارد، از قبل درباره حقوق کارگران و رفاه اجتماعی موضع کاملاً روشنی دارد، مینا سود آوری هرچه بیشتر و بالا بردن تولید جامعه روی دوش کارگر و به قیمت بی حقوقی و استثمار شدید آنها است.

بنابراین لازم است که احزاب سیاسی را وادار کرد که برنامه و مطالبات خویش را برای جامعه در معرض قضاوت عموم قرار دهند. حزب کمونیست کارگری در برنامه خود، "یک دنیای بهتر"، علاوه بر اینکه مختصات جامعه مورد نظر را بدقت بررسی کرده و مبنای نظری و ایدئولوژیک خود و همچنین انتقاد از جامعه موجود را در کلیه جوانب توضیح داده، مطالبات خود در جامعه موجود را به کاملترین شکل بیان کرده است. این برنامه یک محک مهم برای توضیح تفاوتیهای حزب ما با جریانات دیگر است. ادامه دارد.

یک دنیای بهتر

برنامه حزب کمونیست کارگری

را بخوانید و آنرا به

دوستان و آشنایانتان بدهید

سایت های حزب و نهادهای نزدیک به حزب روی اینترنت

www.wpiran.org
www.wpibriefing.com
www.rowzane.com
www.hambastegi.org
www.childrenfirstinternational.org
www.jawanan.org
www.iwsolidarity.com
www.medusa2000.com
www.marxsociety.com
www.kwvpiran.org

Bank Account:

Z.I. Konto:
520 5164 008
BLZ: 10090000
Beliner Volksbank
Germany

Website:

www.haftegi.com

Email:

haftegi@yahoo.com

Fax: 0044-8701207768

Address:

BM Box 8927
London
WC1N 3XX
England